

«هشت فراز، هزار نیاز» مواجهه با گسست، فاصله و فراموشی

درباره مباحث هشت فراز، هزار نیاز زنده یاد هدی صابر

امیر (بهروز) طیرانی

«قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَرَّسُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (همانا

پیش از شما اقوام و ملت‌هایی روی زمین بودند، پس در فرجام کار ناباوران بنگرید، آل عمران: ۱۳۷)

در میان دانش و علوم گوناگون در جهان امروز، دانش تاریخ در میان ملل پیشرفته، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است.

میزان اهمیتی که کشورهای متمدن برای تاریخ قائل هستند را می‌توان از جایگاه درس تاریخ در برنامه‌های آموزشی این کشورها در سطوح مختلف، از اختصاص منابع به ایجاد کرسی‌های دانشگاهی و طرح‌های تحقیقاتی در زمینه مسائل تاریخی و نیز از شمارگان و تنوع کتاب‌ها، مجلات و مقالات تاریخی و... در این کشورها دریافت.

این میزان توجه، درحالی است که برخی از این کشورها از سابقه و قدمت تاریخی چندانی برخوردار نیستند و در مقایسه با کشورهایی همچون کشور ما، مصر، چین و هند، جدید و نوظهور به شمار می‌روند.

اما متأسفانه در همین کشورهای با سابقه تاریخی چند هزار ساله و از جمله در کشور ما مدت‌ها است که مطالعه تاریخ و بهره‌گیری از تجارب تاریخی به بوته کم‌توجهی سپرده شده و این را می‌توان از گفت‌وگو با مردم و به ویژه نسل جوان دریافت و کمتر کسی است که نداند نتیجه این جدایی و گسست، فاصله افتادن میان نسل‌ها و فراموشی اصل هاست و نمود عینی آن هم کمرنگ شدن هویت و حساسیت‌های ملی و میهنی است.

شناخت و آگاهی از این کمبود شدید و متأسفانه رو به رشد در میان نسل جدید بود که از اوایل دهه ۱۳۸۰ هدی صابر را به اندیشه تلاش برای اقدام در مقابله با آن و ضرورت کوشش برای مقابله با این گسست و فاصله کشاند.

صابر برای گام گذاشتن در این راه، به رغم شناخت و آگاهی نسبتاً جامع در زمینه تحولات تاریخی یک‌صدساله اخیر ایران بار دیگر مطالعات عمیق و جدیدی و البته با متدولوژی نوینی را آغاز کرد. حاصل این مطالعات، سلسله درس گفتارهای «هشت فراز، هزار نیاز» بود که طی ۷۵ جلسه منظم در سالن

کتابخانه حسینیۀ ارشاد در فاصله آذر ۱۳۸۵ تا آبان ۱۳۸۷ ارائه شد.

در برگزاری این جلسات، صابر شیوه‌ای متفاوت با جلسات درسی را در پیش گرفت. نخستین ویژگی این سلسله بحث‌ها ارائه بحث به گروهی از جوانان و به ویژه دانشجویان علاقه‌مندی بود که به سهم خود در پر بار کردن بحث‌ها نقش قابل توجهی به دوش داشتند. مخاطبان با طرح سؤالات و به چالش کشاندن سخنران و ارائه‌کننده اصلی بحث، ضمن تعمیق مطالب ارائه‌شده او را وادار می‌داشتند تا هرچه بیشتر در طرح مباحث، جوانب علمی و استنادی مطالب را مد نظر و مدافعه قرار دهد و نقدها و نکات مطرح‌شده را در طرح بحث لحاظ کند.

ویژگی دوم این سلسله بحث‌ها دعوت از چهره‌های شاخص نسل گذشته برای حضور در جلسات و ارائه مباحثی به مثابه مقدمه بحث اصلی در جلسات بود. حضور تقریباً همیشگی مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی و طرح چند بحث کیفی از سوی ایشان یا بزرگانی دیگر همچون آقایان حسین شاه‌حسینی، دکتر رضا رئیس طوسی، دکتر محمد ملکی، مهندس لطف‌الله میثمی و دکتر محمد محمدی گرگانی... موجب ایجاد پیوند مباحث از نظر ذهنی و عینی می‌شد و از این طریق ارتباط میان دو نسل قبل و بعد صابر را فراهم ساخت.

مخاطبان جوان با ارتباط مستقیم با شخصیت‌های فوق پاسخ بسیاری از سؤالات خود را از کسانی دریافت می‌کردند که خود در بخشی از تحولات مطرح‌شده در جلسات، حضور مستقیم داشتند و این نیز بر جذابیت بحث‌ها می‌افزود.

در نخستین جلسه‌ای که در آذر ۱۳۸۵ تشکیل شد مهندس سحابی آغازگر این سلسله بحث‌ها، ضمن پرداختن به اهمیت مطالعه تاریخ و بهره‌گیری از تجربیات گذشتگان از منظر قرآن و مکتب، درباره اهمیت جلسات مزبور گفت: «به هر صورت برای

در مجموعه درس گفتارهای

«هشت فراز، هزار نیاز»، هشت

واقعۀ مهم در تاریخ معاصر ایران

که هر یک به نوبه خود نقطه

عطفی به شمار می‌روند و اکاوی

و بررسی شده‌اند

کشور ما رسیدگی به این امر که چرا امروز عقب مانده‌ایم، از اوجب واجبات است. اگر از این به بعد بخواهیم به هر حرکتی - اعم از سیاسی یا اجتماعی - دست بزنیم، باز هم باید اول چنین مطالعه تاریخی و تحقیقی کرده باشیم، تا ابزاری در دستانمان باشد... ما اینجا جمع شده‌ایم، نه به عنوان یک گروه سیاسی متشکل و رسمیت‌دار، بلکه به عنوان جمعیتی که می‌خواهیم نقش سیاسی - اجتماعی در جامعه‌مان ایفا کنیم، ولی حضور سیاسی را به سبک معمول فقط در کسب قدرت نمی‌بینیم. می‌خواهیم... این حرکت بر همه واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشراف داشته باشد تا آن حرکت مطابق با واقعیت‌های تاریخی ملت ایران باشد.

در مجموعه درس گفتارهای «هشت فراز، هزار نیاز»، هشت واقعه مهم در تاریخ معاصر ایران که هر یک به نوبه خود نقطه عطفی به شمار می‌روند و اکاوی و بررسی شده‌اند. این هشت نقطه عطف به ترتیب تاریخی عبارتند از: جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت جنگل، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، جنبش مسلحانه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش اصلاحات و دوم خرداد.

پیش از ورود به بررسی هشت فراز فوق، صابر در خلال چهار جلسه بحث مقدماتی، نخست درباره ضعف‌های تاریخی ما ایرانیان به بحث و گفت‌وگو با مخاطبان پرداخته است. در این بخش، ابتدا درباره تأثیر حافظه‌زدایی تاریخی، انقراض نسل صاحب حافظه تاریخی، فقدان نهادهای مستقل ثبت و پژوهش‌های تاریخی، گسست میان سه نسل اخیر و سرانجام به بی‌میلی نسل نو به مطالعه تاریخی نگاه کرده است. در ادامه این بحث، ضعف‌های مطالعات تاریخی در ایران به چالش کشیده شده است. نگاه نقطه‌ای به تاریخ، غلبه تفسیر بر پژوهش، چهره‌شناسی به جای دوره‌شناسی از نگاه او از جمله ضعف‌هایی است که در تاریخ نگاری ما بوده و هست.

در بخش سوم مقدمه درباره ضرورت پرداختن به مطالعه تاریخ و به ویژه تاریخ ۱۴۰ ساله اخیر ایران گفت‌وگو شده است. در پایان نتایج حاصل از این بحث چنین جمع‌بندی شده است: «تجهیز حافظه تاریخی، درک و دریافت عمومی از سیر تحول تاریخ، درک سنن الهی در تاریخ، دستیابی به درک



بارداری توجه نشود. فقط این را عنوان کنیم که تلقیح مصنوعی صورت گرفته و از بیرون خودش باردار شده است. برخوردهایی مانند اینکه مشروطه انگلیسی است و انقلاب امریکایی خیلی راحت و غیرمستولانه است.»

براساس همین روش است که او در جمع بندی جنبش تنباکو معتقد بود که مبنای حرکت مردم در آن جریان، در شرایط، خواست‌ها و اهداف نیروهای داخلی یعنی مردم ایران بود. در این میان تضادهای روس و انگلیس شرطی از شروط آن رخداد بود که در حاشیه اصل قرار داشت و در مقابل جوهر حرکت، عرض آن محسوب می‌شد. درباره وجه دوم جمع بندی که عبارت است از رو به جلو بودن آن، معتقد بود که: «حاصل کار یک بررسی تاریخی که در جمع بندی آن خلاصه می‌شود باید از ویژگی رو به جلو بودن برخوردار باشد یعنی آنکه در واقعه نماند. حاصل بررسی یک واقعه تاریخی باید به کار امروز ما بیاید و الا نتیجه آن تقویت حافظه تاریخی است و دانش اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی ما را بارور و غنی نخواهد ساخت و طبیعتاً سرانجام آن تاریخ برای تاریخ است و هدف و غایتی از آن برای انسان به دست نخواهد آمد.»

وجه سوم جمع بندی ترسیم آینده و به اصطلاح وجه استراتژیک جمع بندی است: «نقطه چینی پیش از ما وجود دارد و ما در نقطه الحاق گذشته و آینده به سر می‌بریم... این نقطه چین سرخ است. در جاهایی که خونین بوده، جاهایی هم سبز است، جاهایی سفید و جاهایی هم که کسانی به تاریخ بار شده‌اند نقطه چین‌های سیاهی ترسیم شده است که باید ببینیم ما در ترسیم نقطه چین آینده به کدامیک از این چهار رنگ تعلق پیدا می‌کنیم. این است که به هر حال جمع بندی می‌کنیم تا به آینده دسترسی سهل الوصول‌تری پیدا کنیم و حرکت کنیم.»

و سرانجام چهارمین وجه جمع بندی معطوف به عمل بودن آن است. به عقیده صابر جمع بندی‌ای که خروجی امروزین از آن بیرون نیاید، بود و نبود آن یکی است: «جمع بندی که تلنگر به اذهان زند، بن‌بستی را حل نکند، گرهی نگشاید و مسئله‌ای از امروز ما حل نکند صرفاً یک کنجکاوی تاریخی است... این برخورد، روایی و داستانی است و می‌توان با یک فیلم یا موسیقی تاریخی یا خواندن یک رمان هم آن را لمس کرد... مهم آن است که در عمل آتی چگونه جمع بندی گذشتگان را به کار بندیم.»

به عبارت دیگر هدف از یک بررسی تاریخی چنین می‌شود که با شناخت دقیق از واقعه و علل و عوامل اصلی و دخیل در پدیدآوردن آن، با درک درست از نیروهای دست اندر کار آن و تجزیه و تحلیل شعارها و اهداف مطرح شده اصلی و فرعی آن و... بتوانیم از ضعف‌های آن حرکت پرهیز و با لحاظ کردن ویژگی‌ها و نقاط قوت آن و تقویت آنها در حرکت خود روبه جلو گام‌های مؤثرتر و بالارزشی برداریم.

برای دستیابی به اهداف این جمع بندی، صابر در

۲. زمینه‌های بروز حرکت؛
 ۳. روایت فراز، مطالبات و شعارهای مطرح شده در جریان حرکت؛
 ۴. نیروهای آغازگر، نیروهای دست‌اندر کار، مردم؛
 ۵. تشکیلات، استراتژی، مشی و ایدئولوژی حرکت؛
 ۶. برد اجتماعی و برد جغرافیایی حرکت؛
 ۷. جهت گیری طبقاتی حرکت؛
 ۸. دستاوردها، جمع بندی و آموزش‌های فراز از خلال این تقسیم بندی‌های انجام گرفته مخاطب بحث‌ها، چه آنان که در هنگام ارائه بحث‌ها در جلسات حضور داشته‌اند و چه خواننده مکتوب آن، قادر خواهد بود تا ضمن شناخت واقعه تاریخی مورد گفت‌وگو با شرایطی که حرکت در آن دوره شروع شده و به انجام رسیده است، پیامدهای آن، دلایل پیروزی یا شکست، درس‌هایی که از آن حرکت اخذ می‌شود آشنا شده و در تجربه زمان خود مورد استفاده قرار دهد.
 - در پایان نخستین فراز از هشت فراز که به بررسی جنبش تنباکو اختصاص داشت، صابر در جمع بندی بحث، ابتدا به توضیح مبسوطی پیرامون اصول جمع بندی پرداخته است.
 - درباره اصول جمع بندی او ابتدا چهار اصل جمع بندی را مطرح ساخته است. از نگاه او یک واقعه تاریخی بر این چهار اصل استوار است: ۱. مینا و شرط؛ ۲. رو به جلو بودن؛ ۳. ترسیم آینده و نهایتاً ۴. معطوف به عمل بودن.
 - وی در خصوص لحاظ کردن مینا و شرط در جمع بندی معتقد بود که برای تحلیل و جمع بندی هر پدیده اجتماعی، تاریخی، سیاسی و حتی انسانی مقدماً باید به خود آن پدیده رجوع شود: «تحولات درونی پدیده مبنای می‌شود و آنچه پیرامون و خارج از آن است می‌شود شرط» او با اشاره به فلسفه ملاصدرا و بحث جوهر و عرض چنین نتیجه می‌گیرد که بر اساس این تعریف، مینا پایدار است چون متکی بر درون و پایه است. شرط خارجی عرض و رونده است: «اساساً برخوردهای ساده‌ای مانند اینکه مشروطه کار انگلیسی‌ها بود و انقلاب ۵۷ کار امریکایی‌ها، تحلیل نیست. نمی‌شود یک پدیده بارداری متولد شود ولی اصلاً به سیکل
- استراتژیک و تجهیز به توان جمع بندی»
بحث دیگری که پیش از ورود به بحث اصلی در آن جلسات مطرح شد، گذری به بحث فلسفه تاریخ است. در این بخش ابتدا نظرات سه فیلسوف مطرح تاریخ، یعنی فردریش هگل، کارل مارکس و آرنولد توین‌بی به صورت خلاصه و فشرده ارائه شده است. در ادامه این مبحث به فلسفه تاریخ از نظر اسلام پرداخته شده و عناصر درک توحیدی از تاریخ چنین بر شمرده شده است: خدا، عالم، تاریخ، انسان، پیام، جوهره تاریخ، منطق تاریخ، تکامل تاریخ، موانع تکامل، صیروت، غایت و فرجام تاریخ.
- پس از طرح عناصر درک توحیدی از تاریخ، با تکیه بر آیات قرآن مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. صابر درباره نقش خدا و انسان در تاریخ معتقد بود: «جان کلام آنکه خدا از هستی و تاریخ نه غایب است... بلکه در دیدگاه کتاب، خدا حاضر مستمر و مشرف بر تاریخ و مشوق تغییر و تحول تکاملی است. او کمک کار انسان در این مسیر است... انسان نیز نه بازیگر تاریخ است، نه تحت اراده «روح حاکم بر تاریخ»، نه «تحت جبر»، ابزار و دوران‌های محصول پیشرفت ابزار، بلکه موجود خوش ظرفیت عامل تغییر در هستی و تاریخ است. انسان عهد داری که از نظر مولوی در هر دورانی کارکردی تکاملی و تصحیحی مقابل موانع راه تکاملی پروردگار دارد.»
- و سرانجام درباره فرجام تاریخ چنین اظهار نظر می‌کند: «جان تاریخ، تاریخی که دارای آغاز، روند، نقاط عطف و فرجام است، تاریخی که بافت، حس، عقل، حافظه و دینامیسم دارد، تاریخی که صاحب مولود است و می‌زاید، تاریخی که در حال صیروت و شدن است و می‌توان با او زیست و هم‌نفس شد، زنده و جاندار است. سمت آن نیز سمت رسوب و تسری حقیقت است.»
- در بررسی فرازهای هشت‌گانه، صابر، ذکر روایت تاریخی واقعه یکی از بخش‌های بررسی است. در این سلسله بحث‌ها هر یک از فرازها از هشت منظر و محور مورد کنکاش قرار گرفته است. محورهای هشت‌گانه عبارت‌اند از:
۱. فضای بین‌المللی، شرایط داخلی؛

تلقی اجتماعی از سیاست در نگاه هدی صابر

به بهانه سالروز هجرت ابدی هدی صابر، روشنفکر مذهبی
او که برای ارزش‌های بسیار بزرگی زندگی می‌کرد



ابوطالب آدینه‌وند

فعالیت و مشارکت در جهان داشت، بر این
باور بود که «اکنون مشارکت روندی به‌جای
مشارکت نقطه‌ای و موقت در سرفصلی خاص
به‌مانند انتخابات نشسته است» و بنابراین سپهر و
نگرش او از «کنش جمعی» بر اساس «مشارکت
روندی» و به تعبیر میشل بن ساقی، دموکراسی
فراپارلمانی بود.

در ایران معاصر و در مطالعات ارائه‌شده هدی
صابر، ما دستاوردها و ناکامی‌هایی داشته‌ایم که
این ناکامی‌ها محصول کاستی‌هایی در تحلیل،
روش اتخاذ استراتژی‌ها و منش و ... بوده است.
جنبش‌های مکرر ایران معاصر مزایا و ضعف‌های
عرصه اجتماعی را به رخ می‌کشد؛ آن‌چنان‌که
در ۱۵۰ ساله اخیر دیده‌ایم در پس سرکوب‌ها
و شکست ایرانیان، بازخیز برای جلورفت
وجود داشته است، این نشان از توانمندی‌ها و
ظرفیت‌های ملی و اجتماعی و تاریخی ایرانیان
دارد. هر دوره تاریخی و هر جنبش اجتماعی
با خود نیروها و ظرفیت‌هایی را آزاد و قشر
و طبقه‌ای را به مشارکت اجتماعی و سیاسی

در آخرین جمع‌بندی‌های هدی صابر در سلسله
درس‌گفتارهای «هشت فراز، هزار نیاز» با
موضوع تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر یک نکته بسیار
محوری وجود داشت و آن میل به فعالیت در
سپهر مدنی - اجتماعی بود. او این نکته را چنین
 مطرح کرد که «به‌جای وعده‌های موکول به
آینده‌های نامعلوم و با افعال مجهول به جامعه،
باید در حین مشارکت و مبارزه اجتماعی، تحول
و دگرگونی با دستاوردهای معین و ملموس در
زیست مردم ایجاد کرد». این نگاه بر سازنده
تلقی اجتماعی از مبارزه و سیاست‌ورزی است
که در تفکر هدی صابر بارور شده است. او در
این درس‌گفتارها ضمن تحلیل تاریخ معاصر
۱۵۰ ساله اخیر، دریچه‌ای هم به تحولات جهان
باز می‌کرد و در نگاهی که به وضعیت اکنون

ادامه به معرفی عناصر جمع‌بندی پرداخته است.
به عقیده او سعی در هم‌زمانی و فهم دورانی،
دربرگیری قاعده و کاربست امروزی آن می‌توانیم
به جمع‌بندی صحیح و مقرون به صحت دست یابیم.
منظور از سعی در هم‌زمانی و فهم دورانی، تنفس در
فضای واقعه است. پرهیز از نشستن در برج عاج خود
و از منظر فضا و شرایط امروز و با توجه به امکانات
و یا ابزاری که امروز ما از آنها برخورداریم به واقعه
نگاه کردن موجب انحراف در برداشت و قضاوت
در تاریخ خواهد شد. هم‌زمانی موجب می‌شود تا
ناظر تاریخی از قضاوت نابجا، احساسی و رمانتیک
و یا تخیلی و احساسی و هیجانی خودداری کند.
اگر ناظر واقعه‌ای مانند نهضت ملی‌شدن صنعت
نفت شرایط آن دوران را با دوره خود تطبیق نکند
و به عنوان نمونه مانند دوران انقلاب با آن مواجه
شود آن‌گاه مواضع دکتر مصدق و یارانش یا آیت
الله کاشانی و... مواضعی ناصحیح و در تضاد با
شعارهای مردم تلقی خواهد شد یا در تحلیل جنبش
اصلاحات، انتظار اقدامات فراتر از قانون از نیروهای
جنبش داشتن، حکایت از آن دارد که ناظر از
درک شرایط و موقعیت آن حرکت غفلت‌تام و
تمام داشته است.

با درک عنصر دیگر جمع‌بندی یعنی قانون‌مندی
امور و دربرگیری قاعده فرد قادر می‌شود تا به
استخراج توأمان همه‌زمانی و همه‌مکانی دست
یابد. این امر موجب می‌شود تا امکان کاربست
امروزین جمع‌بندی فراهم آید. به عبارت دیگر
شناخت صحیح شرایط و قضاوت درست هنگامی
میسر خواهد شد که ما ضمن آگاهی هر چه بیشتر
از موضوع بتوانیم قاعده صحیحی را استخراج کنیم
که صرفاً بر مبنای پیش‌فرض‌های ما یا انتظارات و
آرمان‌ها بنا نشده باشد، بلکه مبتنی بر واقعیت‌های
موجود و با نگاه درست بر شرایط، امکانات،
نیروهای موجود و البته با لحاظ کردن انتظارات و
آرمان‌های ما همراه باشد.

صابر در تلاش خویش در بررسی و ارائه هشت
فراز تاریخی مدنظر خویش، سعی زیادی در
عمل به توصیه‌های خود داشت و تلاش می‌کرد
با تکیه بر آنها به قضاوت درستی در برخورد با
این رخدادها سرنوشت‌ساز دست پیدا کند.
درعین حال با روشن‌بینی و تواضع خاص خود
همواره بر این نکته تأکید داشت که انسان است و
امکان خطا در نظرات هر انسانی وجود دارد.
مطالعه مطالب ارائه‌شده حکایت‌گر این تلاش
ارزنده اوست و طبیعی است که با گذشت زمان و
نقد آرا و نظرات او توسط دیگران، آن دیدگاه‌ها
کامل‌تر و بارورتر خواهد شد.

گامی که توسط هدی صابر در این راه برداشته شد،
باید نقطه آغازینی بر مطالعه تاریخ معاصر ایران باشد
و امید آنکه سایر علاقه‌مندان به این مرز و بوم و به
ویژه شاگردان او ضمن ادامه این مسیر بر غنای هر
چه بیشتر مطالبی از این دست بکوشند.

هر که ناموخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار ■

